

اطلاعات

توجه بوسائل مخابر اتی و پست و تلگراف و تلفن

خرید دستگاهها و خطوط تلگراف و تلفن

برای رفع نیازمندی های منطقی

از جای خود رفته باشد و شرط از تهران

بجهود کشیده شده بود و در سراسر

وزارت اغذیه که مخصوصاً جهت معاشر

و مکالمه داشت که درین مورد دستگاه

های از پیشترین نوع هستند میتوان به

که هر کوچه ایجاد شده باشد با

اعلیٰ مالک همچو اوروبا یا کالات

نامه و معاشر تلگراف و وزارت پست

و تلگراف قرارداد

راجع بوسائل مخابر اتی پیشین

آقایان مهندس امین معاون فنی

وزارت پست و هنر - مهندس حسن

شقاقی - مهندس داود دیکری که بدست

روز نامه های آقای خلیل ملک حسین استاد

داشکاه - مهندس بازد کان استاد

داشکاه - جعفر شریف امامی مهندس

جربه - صادق صادقی مهندس جربه -

احمد هنات مهندس جربه - ابراهیم کریم کان

مهندس جربه

امیر پاشاده اداره نایابد

ما امیدواریم در آینده زندگی

این نهادهای اساسی در رشته خطوط

اول مورد استفاده و وزارت پست و

تلگراف میباشد.

پس از این مدت که از

چندی پیش با این طرز تلگراف برای خرید

خطوط مخابر ایرانی تأمینه و دستگاه

لاید بجهود آن میباشد و روزانه

کشیده شده است.

رشته خطوط تلگرافی و تلفنی

که بموازی تراوه آهن کشیده شده است

آن مورد نایابه نکاهه راه آهن است و دو

خط دیگر آن بموازات خط راه آهن چنوب

کشیده شده است.

از این مدت که درین داشت

مقامات ایکانیکی جهان داشت

روزگارشی در کسیوی که دروزارت

راه با خودرو آثار نادر آراسته و زیر

وام آقای تکمیمی معاون وزارت پست و

تلگراف و آقای سیدی معاون وزارت

واد و آنای مهندس معدن مدیر کل

آن و وزارت اغذیه و آقای دکتر کورس

بناید که دولت ایران و مسدر ایران

نایابه تاکنون روابط پنهان شکل

شده و در قرارداد خودرو تلگراف مهندس

در زمان جنگ رایی دولت ایران داشت

و از این مدت دستگاه کشور و مردم قرار داشته

دو سال پس از آن داشت

همه اتفاقات این مدت غیر از این

تلاش برای این مدت غیر از این

تلاش

حاطرات نسخه:

گفت و ملت کر یعنی تو

- ۳ -

خلال این مدت «ادموند» پهلوی
تمدید که هند تنه سنت دیگر پیش
آنها را زده هم جدا نمیکنند و بدبختانه
زندانی دیگر سواریست یعنی پس از
سفر کرده بود با مدد اشکه بدوار
خرچی کاخ رسیده و از جاذب داده
و وزیر دیگر صدای پیکرش رسیده.
صیغه دیگری شیوه بدخواهد
در برخراش خیار نایاب اما کنو میدید
که مخدع دیگری شیوه بدخواهد
یافته است.

دانستان کشیش «فارابی»

فردای آرزو زندانی ناشناس
پاتهای سوراخ سفر کرده خود رسید
و بدخواهد مداد شد و ناچار برای تپه ایزد
اویون «ادموند» راه یافت.
او مرد کوتاه قدر بود که مو
های سرش از دشت درد و درد سینه
شده و صورت فروخته اش هم آژین و
قطعه آن را زیر گفته که از شناخت
دویک بود و چنان داشت دراز کرد
های سرش از دشت درد و درد سینه
شده و صورت فروخته اش هم آژین و
برخواش بود. از نظر مدرن دست دراز کرد
دولت بسوی مردم دست دراز کرد
برای مخواج چنگی پوشیده هنریشکان
همان ترمه چنگی پوشیده هنریشکان
آهن، نولاد، سوسه و کوهه فلزی ساخته
میشد که قلچ آن سورد نیاز چنگ کردید
کارخانه ها خارج شده است.

تامار گارخانهای بند بکار گذاشت
چنگی شده و کله مواد خام و نثارات
پیصرف ساخته ادوات چنگی مرسید
سواراب و زانه نایابون در این چند
سال میچیز غذه نشود و بازار گذاشت
آن را زیر گفته که از شناخت
چتر چیز (پاراوت) باکارهای پوشیده
چنگی لازم است.

هر روزه سوم ۱۸ دلار قیمت
داراد و این فرضه برای مدت هفده میلادی
و در اراضی مدت آن دو لوت امریکا

دلار بیانی آن را داشت میباشد.

- بن کشیش هست و «فارابی»
نام دارد پیش از اینکه بزندهان «ایف»

منتقل شون سراسل هم در زندان

دیگری زندانی پسوند این میباشد.

من این بوده که از شناخت قطعات

و در این میمیل سریزی داشتند و درخان

پیغمبر از شناخت قطعات را بازدید کرد

حکومت مفتر و احمدی در پیامور.

پس از این مقدمه «ادموند» پیغمبر

و نند تر سوادخ نکند. این لحظه

شقاب خود و ادواری زمین کشید

و وقتی زندانیان داشتند شد ناگفته

پای خود را روی بشقاب گذاشت و آن

وا خود رکد و حرون حوصله داشتند.

برای آوردن بیکاری بر کرده

فرازگذاری «ادموند» توانت از

معلومات و اطلاعات اوچزهای تازه ای

بشنود و از آن پیده ملقات های آنها

نهاده سیاهی پوشیده خود را در خود

دیده بود و خود را در خود برد.

لطف کرد و حال آنکه درجه حق

و شمور اوز اسیاری از مردمان دیگر

یزدشت بود. پیش از این مقدمه

مشهود خواهد شد و از این مقدمه

که از این مقدمه «ادموند» توانت از

آنها ملقات های آنها را در خود

بگذراند و با این مقدمه کارش پیش

داشته باشد.

لطف کرد و خود را در خود برد.

